هو الله - ای ياران عزيز، عبدالبهآء از سجن اعظم رغماً…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٥٤٢

### هو الله

ای ياران عزيز، عبدالبهآء از سجن اعظم رغماً لأنف اولی البغضآء به تأييدات الهيّه و توفيقات صمدانيّه در نهايت روح و ريحان به اقليم ماه کنعان رحلت نمود و از الطاف حضرت رحمن اميد چنانست که به عبوديّت آستان موفّق گردد. مختصر اينست که وداع زندان نمود و به ايوان عبوديّت شتافت و در هر دمی به عتبه مقدّسه جمال ابهی توجّه نموده ياران روحانی و دوستان حقيقی را تأييدی ربّانی و الطافی سبحانی و قوّتی ملکوتی طلبد. البتّه اين تضرّع و ابتهال و تبتّل و اجتراح در درگاه عظمت ربّ الفلاح و النّجاح مقبول و مستجاب خواهد گشت. ای دوستان عزيز عبدالبهآء اين قلب مشتاق به نار محبّت ياران در اشدّ احتراق. هيچ صبحی بی ياد ياران بيدار نگردم و هيچ شامی جز به ذکر دوستان سر و سامان نجويم. در اين دم به عجز و نياز همدمم و دل و جان منجذب دلبر آفاق و ديده به ملکوت ابهی گشوده و آن مطالع هدايت کبری را حيات ملکوتی طلبم و عون و عنايتی نامتناهی خواهم. از خدا طلبم که جميع ياران خراسان را مواقع نجوم فرمايد و مظاهر الطاف حيّ قيّوم نمايد. مطمئنّ به نتايج اين رجا باشيد. با جناب کربلائی رضا متجاوز از سی سال است که مفارقت حاصل ولی هنوز ديدار و گفتار آن يار حقيقی در خاطر. الحمد للّه به خدمت مشغول بود و به نفحات محبّت اللّه مألوف و عليکم و عليه بهآء اللّه الأبهی. ع ع

مقصود بود که به هر يک نامه مخصوص مرقوم گردد ولی به جان عزيز ياران که ابداً فرصت ندارم. ع ع